

## شرح حال رجال پهلوی

فاطمه معزی

### فریدون ابراهیمی

فریدون ابراهیمی فرزند میرزا غنی در ۲۹ آبان ۱۲۹۷ در شهر آستارا متولد شد. پدر وی مشهدی غنی ابراهیمی از تجار آستارا بود و از فعالان تشکیلات کمونیستی فرقه عدالت بود که پس از تشکیل حزب کمونیست در ایران به آن پیوست و رهبری شاخه‌ی این حزب در آستارا را برعهده گرفت. با تصویب قانون منع فعالیت‌های کمونیستی در سال ۱۳۱۰، اعضای حزب کمونیست، و از آن جمله غنی ابراهیمی، دستگیر شدند و او تا چندی در زندان اردبیل بود؛ اما بعد از خودسوزی به زندان قصر منتقل و بعد از چندی به ملایر تعبید شد.<sup>۱</sup> فریدون در آستارا و انزلی و تبریز تحصیلات خود را ادامه داد، در ۱۳۲۰ به دانشگاه تهران راه یافت و در رشته حقوق به تحصیل پرداخت. دوره‌ی تحصیل او مصادف با آزادی فعالیت سیاسی بود و او نیز، چون پدر، به فعالیت‌های کمونیستی می‌پرداخت. در سال ۱۳۲۲ به سازمان تازه تأسیس جوانان حزب توده پیوست. ابراهیمی، که به سه زبان عربی، فرانسه و ترکی مسلط بود، به روزنامه‌نگاری روی آورد و در روزنامه آژیر، که صاحب امتیاز آن میرجعفر پیشه‌وری بود، مقاله می‌نوشت و روابط نزدیکی با وی داشت. او برای روزنامه‌های دیگر حزب توده، چون خاور نو در تبریز، نیز مقاله می‌نوشت. در ۱۳۲۴ پیشه‌وری، که از نمایندگی مجلس دوره چهاردهم بازمانده بود، به تبریز رفت تا طرح فرقه دموکرات را که با توافق کامل اتحاد جماهیر شوروی از چندی قبل تدوین شده بود به اجرا درآورد. آژیر را به دو تن از دوستان خود - ابراهیمی

۱. بهزاد بهزادی. آذربایجان دموکرات. بی جا، دوگوزن خبر، ۱۳۸۴. ص ۴۵.

که حال از دانشکده حقوق فارغ‌التحصیل شده بود و کریم کشاورز - سپرد.<sup>۲</sup> قلم ابراهیمی تند و بی‌پروا بود. او در مرداد ۱۳۲۴ مقاله‌ای به نام «مشت آهنین» در روزنامه خاور نو منتشر کرد که در اعتراض به نخست وزیری صدرالاشراف بود. در این مقاله هشدار داد: «روزی که مشت آهنین ما به کار افتد دشمنان آزادی ایران به قدرت حقیقی توده مبارز پی خواهند برد. ما به خوبی می‌بینیم که روز انتقام ما به سرعت زیاد نزدیک می‌شود. به زودی، مشت‌های پولادین کارگران و بازوان خرد کننده دهقانان دلاور آذربایجان به کار خواهد افتاد».<sup>۳</sup>

ابراهیمی، پس از توقیف روزنامه آذر در شهریور ۱۳۲۴، به آذربایجان رفت، به فرقه دموکرات پیوست و در روزنامه‌های فرقه و حزب چون خاور نو و آذربایجان به نگارش مقالات سیاسی مشغول شد. فرقه دموکرات در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ با انتشار بیانیه‌ای اعلام رسمیت کرد و مواضع و اهداف خود را مشخص نمود. حزب توده، به امر روسها، به فرقه پیوست و در آن ادغام شد. پیشه‌وری برای تأسیس شعبه دیگر فرقه در ارومیه سه نماینده خود را به این شهر اعزام کرد؛ اما نمایندگان مردم ارومیه، در این نشست، پیوستن خود به فرقه را منوط به حذف سه ماده «خودمختاری آذربایجان»، «رسمیت زبان ترکی» و «تصرف املاک مالکین» کردند. بر اساس این شروط، آنان کمیته‌ای تشکیل دادند و نمایندگان برای مذاکره با تبریز در نظر گرفتند. اما پیشه‌وری به سرعت در ششم مهر نماینده خود فریدون ابراهیمی را به ارومیه اعزام کرد. او در جلسه‌ای که تشکیل داد اعلام کرد که نمایندگان ارومیه را، بدون شروطشان، در تبریز می‌پذیرد و کمیته موقتی را منحل اعلام کرد. فریدون ابراهیمی در هفتم مهر، با حضور اعضای حزب توده، در ارومیه کمیته جدیدی تشکیل داد که تمام شروط فرقه را پذیرا بودند.<sup>۴</sup>

کار فرقه دموکرات در آذربایجان بالا گرفت؛ با کمک اتحاد جماهیر شوروی مسلح شد و با امداد از سلاح روسها آذربایجان را در مدتی کوتاه به تصرف خود درآورد. در این میان، حکومت مرکزی در تهران مرتضی قلی بیات را برای استانداری آذربایجان و مذاکره با فرقه مأمور کرد. او در هفتم آذر به تبریز وارد شد. دو طرف، پس از جدل بر سر محل مذاکره، سرانجام در ۱۷ آذر پیشه‌وری، فریدون ابراهیمی، شبستری و بی‌ریا در

۲. علی مرادی مراغه‌ای. از زندان رضاخان تا صدر فرقه دموکرات آذربایجان. تهران، اوحدی، ۱۳۸۲. ص ۳۱۷.

۳. اسناد مطبوعات ایران (۱۳۳۲-۱۳۲۰). به کوشش: غلامرضا سلامی و محسن روستایی. تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۷. ج ۳، ص ۳۹۰.

۴. بحران آذربایجان به روایت اسناد نخست‌وزیری. تهران، مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۷۵. صص ۹-۱۰.

منزل ذکاءالدوله سراج میر با بیات به گفت وگو نشستند.<sup>۵</sup> اما این نشست بیفایده بود و اعضای فرقه حاضر به پذیرفتن شرایط حکومت مرکزی نبودند. حال، دیگر آذربایجان به تصرف فداییان مسلح فرقه درآمده بود. پیشه‌وری در ۲۱ آذر اعضای حکومت خودمختار آذربایجان را معرفی کرد. فریدون ابراهیمی در این حکومت جدید دادستان بود اما همچنان در روزنامه‌های فرقه مقاله می‌نوشت. در مقام دادستان، برای بسیاری از مخالفان فرقه حکم اعدام صادر کرد و برخوردهای تند و خشونت‌آمیز او با محکومان شهرت داشت.<sup>۶</sup> در جلسه محاکمه سرهنگ احمد زنگنه استاندار و فرمانده تپ ارومیه که در مقابل نیروهای فرقه مقاومت کرده بود وکیل تسخیری او را به سخره‌گرفت و حکم اعدام برای زنگنه و دیگر نظامیان را صادر کرد؛ اما حکم در شور دادگاه تبدیل به ده سال حبس شد.<sup>۷</sup>

احمد قوام در بهمن ۱۳۲۴ بر مسند نخست‌وزیری تکیه زد و سعی کرد راه‌حلی برای مشکل آذربایجان پیدا کند. او با شوروی به مذاکره پرداخت و در فروردین ۱۳۲۵ برای گفت‌وگو با سران فرقه اعلام آمادگی کرد. به همین منظور، فتحعلی ایپکچیان را به عنوان نماینده خود به تبریز فرستاد تا با پیشه‌وری ملاقات و اعضای هیئت مذاکره‌کننده از تهران را معرفی کند؛ و از وی خواست تا او نیز برای مذاکره گروهی را انتخاب کند. پیشه‌وری همراه با ابراهیمی و دیگر اعضای گروه خود هشتم اردیبهشت برای مذاکره با دولت به تهران وارد شد. مظفر فیروز معاون قوام مأمور استقبال آنها بود. در این مذاکرات، که ۱۵ روز طول کشید. فرقه به ظاهر امتیازهای زیادی از دولت قوام دریافت کرد و در خرداد ۱۳۲۵ مظفر فیروز برای ادامه‌ی مذاکرات به تبریز رفت.

در مرداد ۱۳۲۵ چهار تن از روزنامه‌نگاران ایرانی به پاریس رفتند تا کنفرانس صلح را گزارش دهند. فریدون ابراهیمی نماینده‌ی مطبوعات آذربایجان در این سفر بود، که پس از پایان کنفرانس در پاریس ماند و دو ماه بعد به آذربایجان بازگشت. انور خامه‌ای، یکی از این چهار روزنامه‌نگار، در این مورد می‌نویسد: «ابراهیمی پس از آنکه تمام پولی را که همراه آورده بود ظرف دو ماه صرف عیاشی کرد پیش از آنکه من به پاریس برگردم تصمیم گرفت به آذربایجان بازگردد و از سفارت شوروی تقاضای روادید کرد. اما نمی‌دانم به چه علتی شورویها از دادن روادید به او خودداری کردند. شاید برای آنکه بدون اجازه آنها آذربایجان و ایران را ترک کرده بود».<sup>۸</sup> هنوز چندی از بازگشت ابراهیمی

۵. خانباها بیانی. غائله آذربایجان. تهران، زریاب، ۱۳۷۵. ص ۲۱۷.

۶. سرلشکر احمد زنگنه. خاطراتی از مأموریت‌های من در آذربایجان. تهران، شرق، ۱۳۵۴. ص ۱۱۳.

۷. همان، ص ۱۳۷. ۸. انور خامه‌ای. خاطرات سیاسی. تهران، گفتار و علم، ۱۳۷۲. ص ۵۳۷.

به تبریز نگذشته بود که وضعیت متفاوتی برای فرقه پیش آمد. پیشه‌وری پس از مذاکرات متعدد با دولت مرکزی و با توافق اتحاد جماهیر شوروی از مسند نخست‌وزیری کناره گرفت اما رهبری فرقه دموکرات را بر عهده داشت. در آذر ۱۳۲۵ دولت به بهانه برقراری امنیت انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی نیروهای ارتش را راهی آذربایجان کرد. پیشه‌وری مردم را دعوت به مقاومت در برابر نیروهای دولتی نمود اما روسها فرمان عدم مقاومت را صادر کردند. در جلسه‌ای که در ۲۰ آذر تشکیل شد، پیشه‌وری از رهبری فرقه برکنار شد و تحت حفاظت روسها به شوروی منتقل گردید و محمد بی‌ریا به جای وی به رهبری فرقه منصوب شد. فریدون ابراهیمی به معاونت بی‌ریا منصوب و در تبریز ماندگار شد. او همچنان امید داشت که پس از ورود قوای دولتی انتخابات برگزار خواهد شد و سقوط و فرار رهبران فرقه را باور نداشت.<sup>۹</sup> ۲۱ آذر تبریز به تصرف کامل قوای دولتی درآمد؛ اما اعضای فرقه در ساختمان فرقه مقاومت می‌کردند و رهبری چند تن باقی مانده به عهده ابراهیمی بود. حسن نظری که شاهد مقاومت او بوده می‌نویسد:

سلام الله جاوید در سه جا روی موتور ماشین ایستاد و نطق کرد که یکی در برابر ساختمان کمیته مرکزی فرقه در خیابان ستارخان بود... هنگامی که او مردم را به آرامش دعوت می‌کرد فریدون ابراهیمی از ساختمان کمیته مرکزی بیرون آمده و از من خواست تا به وی کمک نمایم... پرسیدم چه کمکی؟ پاسخ داد رفیق پیشه‌وری کمیته مرکزی را به من سپرده و من نیز با ده فدایی که فشنگ چندانی ندارند باید از اینجا دفاع کنیم...<sup>۱۰</sup>

تبریز به تصرف کامل قوای دولتی درآمد. فداییان و بازماندگان فرقه یا در آخرین ساعات به شوروی گریختند و یا پنهان شدند. فریدون ابراهیمی پس از دفاع بی‌حاصل از ساختمان کمیته مرکزی آن را رها کرد و مانند دیگر اعضای باقی مانده فرقه پنهان شد. اما چندی بعد دستگیر و در دادگاه نظامی محاکمه شد. در زمان محاکمه‌ی وی شایع شد که او از روابط نزدیک پیشه‌وری و مظفر فیروز پرده برداشته و فیروز دست او را در اعدامها بازگذاشته بود.<sup>۱۱</sup>

فریدون ابراهیمی دادستان ۲۹ ساله‌ی حکومت فرقه دموکرات در دادگاه نظامی

۹. نصرت الله جهانشاهلو. ما و بیگانگان، سرگذشت دکتر جهانشاهلو. تهران، ورجاوند، ۱۳۸۰. ص ۲۶۷.

۱۰. حسن نظری. گم‌اشتی‌های بدفرجام. تهران، مردامروز، ۱۳۷۱. ص ۱۳۵.

۱۱. «اسرار مهمی از قضایای آذربایجان». خواندنیها، س ۷، ش ۸۶، ۲۶ خرداد ۱۳۲۶. ص ۱۹.

محاكمه شد. در ابتدا به حبس ابد محكوم گردید؛ اما دادگاه تجدید نظر حکم او را به اعدام تغییر داد.<sup>۱۲</sup> او در روز اول خرداد ۱۳۲۶ در میدان گلستان تبریز به دار آویخته شد. ابراهیمی در پاسخ به اینکه چرا حکم اعدام بسیاری را در دوره یکساله حکومت پیشه‌وری صادر کرده است اظهار داشت: «تمام حلق آویزشده‌ها دشمنان آذربایجان بودند و به اراده حکومت من محاکمه شده‌اند. حکومت ملی زنده بود و زنده خواهد ماند. من از روسها دستوری دریافت نکرده‌ام. اراده خلق خود و حکومت ملی خود را به موقع اجرا درآورده‌ام».<sup>۱۳</sup>

محمود اعتمادزاده (م.ا.به آذین) یکی از اعضای رده بالای حزب توده، که با فریدون ابراهیمی آشنا بود، آخرین دیدارش در سال ۱۳۲۵ را این گونه به تصویر می‌کشد:

ابراهیمی نیمتنه‌ای یقه بسته به شیوه مأموران رسمی شوروی به تن داشت. آبی به زیر پوستش رفته بود و سخت به خود مطمئن بود. آن طنز و لبخند دوست داشتنی جای خود را به گفتاری جدی و برترمنش داده بود. سرزنش مان می‌کرد که چرا نمی‌جنیم. از زبان و ملت آذربایجان سخن می‌گفت. آذربایجان را در مرزهای ماد می‌شمرد.<sup>۱۴</sup>

برادر کوچک فریدون، انوشیروان ابراهیمی، از اعضای کادر رهبری حزب توده بود که پس از مقابله با جمهوری اسلامی دستگیر و اعدام شد.

---

۱۲. «اسرار مهمی از قضایای آذربایجان» خواندنیها، س ۷، ش ۸، ص ۴.

۱۳. علی مرادی مراغه‌ای، همان، ص ۲۰۸.

۱۴. م.ا.به آذین. از هر دری. تهران، جام، ۱۳۷۰. ص ۲۱.